



اخلاق کانتی؛ چه زمانی اعمال ما واجد ارزش اخلاقی هستند

اخلاق کانتی یک نظریه اخلاقی بر مبنای ایده وظیفه اخلاقی است. بر مبنای این نظریه، اراده نیک تنها مفهوم ذاتاً خوب است ...

سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

اخلاق کانتی؛ چه زمانی اعمال ما واجد ارزش اخلاقی هستند

خبرگزاری مهر- اخلاق کانتی یک نظریه اخلاقی بر مبنای ایده وظیفه اخلاقی است. بر مبنای این نظریه، اراده نیک تنها مفهوم ذاتاً خوب است و یک عمل تنها هنگامی خوب تلقی می‌شود که ناشی از وظیفه و نه نیاز عملی یا خواست باشد. مباحث فلسفی و مبنایی اخلاقی برای بسیاری از فیلسوفان بزرگ از جمله سقراط، افلاطون، ارسطو و کانت مسائل مهمی بوده است و حاصل این تأملات فلسفی پیدایش چهار مکتب مهم در حوزه گسترده «کانت» است: نتیجه گرایی (teleologism)، وظیفه گرایی (deontologism) اخلاق فضیلت بنیاد (virtue-based ethics) و اخلاق حق بنیاد (right-based ethics).

بزرگترین نماینده وظیفه گرایی «کانت» است، اگرچه هیچ یک از سه مشرب دیگر نیز از تأثیر آراء و نظرات کانت بر کنار نمانده اند.

اخلاق کانتی یک نظریه اخلاقی بر مبنای ایده وظیفه اخلاقی است. بر مبنای این نظریه، اراده نیک تنها مفهوم ذاتاً خوب است و یک عمل تنها هنگامی خوب تلقی می‌شود که ناشی از وظیفه و نه نیاز عملی یا خواست باشد.

در مباحث فلسفه اخلاق، نظریه اخلاقی کانت از سه منظر مورد توجه واقع شده است. گاهی این نظریه به طور مستقل و به عنوان یک نظریه اخلاقی در کنار نظریات دیگر مورد کاوش قرار گرفته است.

گاهی نیز در مباحث اخلاق هنجاری آنجا که از معیارهای کلی درستی یا نادرستی افعال از نظر اخلاقی بحث می‌شود پس از آن که آنها را به دو قسم وظیفه‌گرا و غایت‌گرا تقسیم می‌کنند؛ به طرح نظریه اخلاقی کانت به عنوان نافذترین نظریه‌های اخلاقی وظیفه‌گرایانه می‌پردازند.

و بالأخره از این نظر که آیا مفاهیم اخلاقی حکایت از امور واقعی دارد یا نه؛ نظریه اخلاقی کانت جزء آن دسته از نظریات مطرح شده که قائل‌اند مفاهیم اخلاقی حاکی از واقعیات خارجی است و از واقعیات مافوق طبیعی سرچشمه می‌گیرد. از این رو نظریه اخلاقی کانت را نظریه‌ای واقع‌گرایانه می‌دانند که تأکید فراوانی بر عنصر وظیفه و تکلیف دارد.

توجه به این نکته که از نگاه کانت اراده خوب را نمی‌توان بر اساس نتایج و غایات اعمال تعریف کرد و خوبی نتایج را نمی‌توان منشأ خوبی اراده خوب دانست نشان می‌دهد کانت در اخلاق یک وظیفه‌گرای تمام عیار است.

کانت از آن رو یک وظیفه‌گراست که معتقد است درستی اخلاقی یک رفتار تنها و تنها به خاطر مطابقت آن با تکلیف است. در واقع از نظر او معنای درستی یک عمل در درون خود عمل است نه چیزی خارج از آن و این دقیقاً رویکردی وظیفه‌گرایانه است. وظیفه‌گرایان معتقدند درستی یک عمل به دلیل طبیعت خود عمل است نه چیزی ورای آن.

چیزی که برای کانت اهمیت دارد این است که سعی کنیم اغراضی را جامه عمل بپوشانیم. اینکه آیا در این راه موفق می‌شویم یا نه، غالباً از اختیار ما خارج است، اگر اغراض از حیث اخلاق صواب باشند و ما برای رسیدن به آنها سعی کرده باشیم، تکلیف خود را ادا کرده ایم. برای اینکه به خاطر انجام دادن کاری که درست است شایسته اعتبار و ارزش باشیم، باید آنرا به دلیل درست بودنش انجام دهیم.

مثلاً یگانه دلیل شما برای تقلب نکردن این باشد که می‌ترسید سر بزنگاه مچتان را بگیرد. در این حالت هم شما کار درستی کرده اید، اما آن را به این دلیل انجام نداده اید که تقلب نکردن کار درستی است. از اینرو شما در مقام یک شخص به خاطر انجام دادن آن کار مستحق هیچ گونه ارزش و اعتبار اخلاقی نیستید.

بنابراین، کانت بر این نکته پای می‌فشارد که اگر می‌خواهیم اعمالمان واجد ارزش اخلاقی باشد باید آنها را با انگیزه‌ای صواب انجام دهیم و یگانه انگیزه‌ای که به اعمال ما ارزش می‌دهد، انگیزه به جای آوردن چیزی است که کانت آنرا تکلیف می‌نامد: کار درست را

به این دلیل انجام دهیم که درست است. کانت فقط می خواهد بگوید که انگیزه های دیگر ارزش اخلاقی، اعم از ثابت یا منفی، ندارد.

غیر از تکلیف، جمیع انگیزه های دیگر در مقوله میل جای دارند، و نهایتاً به حب ذات برمی گردند.

کانت می گوید کسانی که به انگیزه های ادای تکلیف عمل می کنند از اراده خیر برخوردارند. علاوه بر این، اراده خیر یگانه چیزی است که به شکلی نامشروط و فی نفسه خیر است. خیر بودن آن در گرو این نیست که در راه نیل به اغراض خویش به سر منزل توفیق برسد. کانت می گوید حتی می شود تصور کرد که اوضاع و احوال جهان خارج به گونه ای باشد که اراده خیر هیچ گاه به اغراض خویش نیل نشود.